



مدرسه حقوق



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تاکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین رضا بهار فلاصری
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New Classical Criminological Dialog

Masoud Akbari

PhD student in Criminal Law and Criminology, Kharazmi University, Tehran, Iran

تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نو کلاسیک نوین

مسعود اکبری

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
masoudakbari29@yahoo.com

Abstract

There are different types of criminological theories which cause fundamental changes in this field of science. This improvement amounts to formation of various criminal policies through criminological schools from classic and positivism to social defense and new neo-classicism which have had different approaches from offender's free will to constrained one and from rehabilitation to repression. Since the early 1970s, a new trend of criminological developments has emerged based on a critical and radical approach that, within the context of deconstruction, sought to shape a modern form of doctrinal punishment. This issue fueled the security-oriented and then populist currents resulting from political attitudes and behaviors, and subsequently provided the grounds for the emergence of a neoclassical criminological discourse based on purposeful and legalistic rigor and a kind of meritorious justice. Therefore, the present study seeks to answer this fundamental question by explaining the security-oriented and populist concepts of criminal policy and how to intervene and create a context for drawing a rethought neoclassical perspective: What are the conditions for the performance and generalization of the concept of implementing neoclassical criminological discourse from the perspective of creating the context for the two aforementioned approaches? The research findings indicate the direct and undeniable impact of the security-oriented and populist approach to criminal policy, emphasizing a kind of reform of the law and stratagem in criminal policy-making to shape the new trend of criminology, and that this change in practice in the practical application of theories may have serious implications for the overall structure of criminal law in terms of gross violations of the fundamental principles of human rights and the limitation of the scope of fundamental freedoms, which points to the re-formation of the new neoclassical discourse.

Keywords: Security-Oriented Criminal Policy, Punitive Policies, Populist Criminal Policy, Criminology, New Neoclassical Discourse.

چکیده

از ابتدای شکل گیری جرم شناسی در مفهوم واقعی آن، نظریات مختلفی ارائه گردیده که متناسب با آن‌ها جرم شناسی تحولات مبنایی و ساختاری زیادی را تجربه کرده است. از گفتمان اراده آزاد کلاسیک تا جبریت پوزیتیویسم و از اصلاح و تربیت دفاع اجتماعی تا سرکوبی و سرسختی نو کلاسیک نوین، تحولات جرم شناسی حول محور تفکرات ایدئیشمنان آن باعث شکل گیری سیاست های جنایی مختلفی گردیده است. از ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی روند جدیدی از تحولات جرم شناختی بر مبنای رویکرد انتقادی و رادیکال شکل گرفت که در بستر ساختارزدایی، به دنبال شکل دهی به نوعی کیفردهی آموزه ای مدرن بود. همین موضوع به جریان امنیت مدار و پس از آن عوام گرایی ناشی از تلقی ها و منش های سیاسی دامن زد و به دنبال آن زمینه های ظهور گفتمان جرم شناختی نو کلاسیک بر اساس سخت گیری هدفمند و قانونمد و نیز نوعی عدالت استحقاقی فراهم آمد؛ بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا از طریق تبیین مفاهیم امنیت گرا و عوام گرایی سیاست جنایی و نحوه مداخله و بستر سازی آن برای ترسیم دیدگاه نو کلاسیک بازاندیشیده، به این پرسش اساسی پاسخ دهد است که شرایط عملکرد و تعمیم مفهوم عملی سازی گفتمان جرم شناختی نو کلاسیک از منظر بستر سازی دو رویکرد پیش گفته چگونه است؟ یافته های پژوهش حکایت از تأثیر مستقیم و غیر قابل انکار رویکرد امنیت گرا و عوام گرایی سیاست جنایی با تأکید بر نوعی اصلاح قانون و تدبیر در سیاست گذاری جنایی برای شکل دهی به جریان جدید جرم شناسی دارد که این تغییر رویه در کاربست عملی نظریه ها ممکن است جلوه های جدی را علیه ساختار کلی حقوق کیفری از حیث نقض فاحش اصول بنیادین حقوق بشر و نیز تحدید دامنه آزادی های اساسی ایجاد کند که بر شکل گیری مجدد گفتمان نو کلاسیک جدید اشاره دارد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی امنیت گرا، سیاست های سزادهی، سیاست جنایی عوام گرا، جرم شناسی، گفتمان نو کلاسیک نوین.

ارجاع:

اکبری، مسعود؛ (۱۴۰۴)، تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل‌دهی گفتمان جرم شناختی نوکلاسیک نوین، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

گفتمان نوکلاسیک به‌عنوان یکی از اندیشه‌های تأثیرگذار بر تحولات جرم‌شناسی و سیاست جنایی، با رویکردی سزاگرا و با توجه به کیفردهی بزهکاران، از همان سال‌های پیش از ۱۹۰۰ میلادی شکل گرفت اما با مانع سرسخت و شدید جریان تحقیقی اثباتی و جریان نفی اراده بزهکاران در ارتکاب جرم روبرو شد. نوکلاسیک که اراده آزاد را محور بحث‌های خود قرار می‌داد، نتوانست بر این جریان فکری جبرگرافاق آید. بعد از آن اندیشه نوکلاسیک، با عنوان نوکلاسیک دوم یا مکتب نوکلاسیک فرانسوی (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۴، ۶۷). به لحاظ تاریخی در ربع اول قرن بیستم میلادی جایگاه خود را دریافت و پس از آن که دیدگاه‌های تحقیقی با چالش روبرو گردیده بود می‌توانست طرح‌های خود را عملی سازد، اما گرایش‌های مبتنی بر اصلاح و درمان و پس از آن اصلاح و تربیت با اقبال بیشتری روبرو شدند و زمینه‌های آن‌ها در جامعه فراهم گردید. در این میان ظهور گفتمان اصلاح و تربیت و سیاست‌های بازپرورانه امکان رشد نوکلاسیک را منتفی ساخت.

با پیدایش جرم‌شناسی واکنش اجتماعی که مبتنی بر ساختارشکنی بود و یک جریان اعتراضی و رادیکال را نسبت به گذشته تشکیل داده بود (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۴۰۳، ۲۶۰)، محوریت ارتکاب جرم بر پیکره عوامل دیگر غیر از شخص و جامعه انسانی، تشخیص گردید و در این میان جبریت از چهره انسان مرتکب جرم زدوده شد، چون دیگر فقط او را مقصر در نقض هنجارها نمی‌دانستند. او را

دارای اراده آزاد می‌پنداشتند و عامل اصلی را، ضعف ساختارهای اجتماعی و سوءاستفاده انسان هوشمند و حسابگر از این نقیصه، معرفی می‌کردند.

لذا با تشکیل چنین تفکری در ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی بار دیگر زمینه ظهور نئوکلاسیک، این بار تحت عنوان نئوکلاسیک نوین، فراهم شد و در چنین بستری که نیمی از تفکراتش در افکار جامعه حادث شده بود، شروع به رشد و تکثیر نمود و در این بین توانست با ارائه آمارهایی از شکست دستاوردهای جرم‌شناسی تحقیقی و جرم‌شناسی دفاع اجتماعی که اولی بر اصلاح و درمان و دومی بر اصلاح و تربیت و باز سازگاری اجتماعی تأکید داشت (آنسل، ۱۳۹۱، ۶۵)، خود را به عنوان الگوی برتر جرم‌شناسی و تفکر غالب که نجات جامعه بشری و پاسخ مطلوب به جرم و مجرم را نتیجه دستاوردها و سازوکارهای خود می‌دانست معرفی کند و جایگاهی محکم بیابد.

در ابتدای قرن بیست و یکم میلادی، دو جریان عوام‌گرایی کیفری و امنیت‌گرایی کیفری، توانستند سیاست جنایی تقنینی را به سمت به کارگیری تکنیک‌ها و فنون ارائه شده از جانب نئوکلاسیک نوین سوق دهند و نوعی سزادهی و کیفردهی نامعقول و افراطی در عرصه سیاست جنایی را تعدیل کنند؛ بنابراین، اکنون که سیاست جنایی به سمت سزادهی بزهکاران متمایل شده است، لازم است که عرصه به رویکردهای خردمندانه و معقولانه سزادهی که بنیان‌های نظری و عملی نئوکلاسیک نوین را تشکیل داده است، سپرده شود تا سیاست جنایی بتواند از کیفردهی بزهکاران به نتیجه مطلوب دست یازد.

این نوشتار به دنبال آن است تا بتواند مفهوم نئوکلاسیک نوین و سیر تاریخی آن را شناسایی نماید و مشخص کند که چه عواملی در رشد سریع و گسترش ابعاد کاربردی آن دخالت داشته‌اند؟ لذا بر اساس آنچه که تعریف مشخص مفهوم گفتمان گفتمان جرم‌شناختی نئوکلاسیک نوین را شکل می‌دهد، پرسش اصلی آن است که بسترسازی‌های مبتنی بر ساختارزدایی و استحاله از درون که در ربع آخر قرن بیستم به اوج و نهایت خود رسید، چگونه توانستند با شکل‌دهی و دامن زدن به دو رویکرد امنیت گرا و عوام‌گرایی سیاست جنایی، بانیان اندیشه نئوکلاسیک نوین و بازاندیشیده را متقاعد به تکرار نظریه خود نمایند؟

با این اوصاف آنچه که اهمیت می‌یابد، تصویری کلی و واقعی از مفهوم استحقاق و سزاواری مجرمین در راستای تحمل مجازات و کیفر مناسب است که بر مبنای عقلانیت و رویکردهای خردمندانه و با تشریح شیوه‌های کیفردهی هوشمندانه شکل می‌گیرد؛ بنابراین، خروجی و نتیجه تحلیل نگارنده بر این مسئله

مستقر خواهد بود که رویکرد امنیت گرا و عوام گرای سیاست جنایی، آنچنان تحولی در سیستم کیفردهی ایجاد کردند که سیاستگذاری جنایی حداقل در اروپای غربی و امریکای شمالی از ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی متأثر از این دو مفهوم بود و از حیث توجه به لزوم مقابله مقتدرانه و همه جانبه علیه مجرمان، بسترهای ظهور مجدد گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین را فراهم آورده است.

جریان فلسفی حاکم بر فضای علمی کشورهای اروپایی به حوزه عدالت و مباحث حقوق کیفری نیز سرایت کرد و گفتمان عدالت پیرو گسترش و بسط این نظریه‌ها، همواره حقوق کیفری را در غالب جرم انگاری‌ها، مسئولیت کیفری و اهداف کیفردهی به اشکال مختلف بازگو کرد. گفتمان نئوکلاسیک نوین که از مبنای فلسفی اولیه خود نشأت می‌گیرد، رویکردی نوین را در مقابل اهداف به کارگیری مجازات‌ها در ربع آخر قرن بیستم میلادی ایجاد می‌کند که از این منظر می‌توان آن را یک دگرگونی بنیادین، با ریشه تاریخی دانست.

جرم‌شناسی کلاسیک که ابتدا ترکیبی از جریان فلسفی-کیفری بود در قالب نظریه‌های فلاسفه قرون هجدهم و نوزدهم میلادی بسط و گسترش داده شد و جرم را به‌عنوان حرکتی ناشیست و غیرانسانی از جانب بشر عاصی از همنوایی با هنجارهای اجتماعی، معرفی می‌کردند و اعتقاد داشتند که انسان با اراده آزاد خود مرتکب جرم شده و چون تمام اراده خود را به کار بسته است، جامعه نیز باید با تمام اراده خود به وی پاسخ دهد حتی اگر فرد مجرم اصلاح نشود و منفعتی عاید جامعه نگردد (اردبیلی، ۱۳۹۲، ۱۱۰). موتوسکیو و کانت از سردمداران این نظریه بودند که «جزیره متروک» از دستاوردهای اندیشه‌های آنان بود.

نئوکلاسیک، جریان انشعاب یافته از کلاسیک‌ها بود که با قبول بنیان‌های نظری آن‌ها، منفعت در مجازات‌ها را چه برای مجرم و چه برای جامعه و نیز عقلانیت مجرم در ارتکاب جرم را به موضع گیری‌های جریان کلاسیک اضافه می‌کردند. نئوکلاسیک جدید علاوه بر قبول تمامی این واقعیات با انتخاب شعار اصلی خود تحت عنوان سزادهی سنجیده و هدفمند، بدون این که سعی در اصلاح مجرم داشته باشد صرفاً با تحمیل رنج و عذاب جسمانی و مادی در پی هدف از بین بردن جرم می‌باشد (داودی گرمارودی، ۱۳۸۳، ۱۷۳)، لذا با ابزار سزادهی هدفمند و رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها و استحقاق جرم در میزان واکنش به جرم، تئوری‌های خود را معرفی می‌کند و از این رهگذر به هدف باز دارندگی^۱

و پس از آن نجات جامعه از دست مجرم، با سیاست‌های اصولاً سختگیرانه و عدم اهمال و سهل‌گیری به واکنش علیه جرم می‌پردازد (پرادل، ۱۴۰۲، ۱۲۹) و در این بین کرامت انسانی و حفظ نظام حقوق بشری را نیز به عنوان هدف ثانی خود بر خواهد گزید.

بنابراین، می‌توان گفتمان نئوکلاسیک نوین را اندیشه جدید واکنش به جرم، بر مبنای سزادهی هدفمند و سنجیده به منظور دفاع از جامعه و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم در قالب سنجش میزان اراده آزاد، عقلانیت، سود حاصله از ارتکاب جرم و ریسک‌پذیری مجرم در بستر فردی کردن مجازات‌های سزاده تعریف نمود (داودی گرمارودی، ۱۳۸۳، ۱۷۹).

۱- ویژگی‌های گفتمان نئوکلاسیک نوین

برای آن که بتوان قادر به فهم یک نظریه کاربردی در چهارچوب اجرا و اعمال آن بود، لازم است که آن نظریه بر مبنای ویژگی‌های بنیادین آن تبیین شده و هر کدام از آن‌ها مشخص گردند. این رویکرد باعث خواهد شد تا بتوان با بیان ویژگی‌های اصلی، به شناختی دقیق‌تر از مفهوم آن نظریه دست یافت. گفتمان نئوکلاسیک نوین نیز به عنوان یک نظریه که امکان اجرایی‌سازی آن وجود دارد از این قاعده کلی مستثنی نخواهد بود؛ بنابراین، در این گفتار به ذکر ویژگی‌های آن پرداخته می‌شود.

۱-۱- ابتناء بر اراده آزاد

در این گفتمان مجرم در ارتکاب اعمال مجرمانه به اراده و خواست خود وارد عملیات اجرایی جرم می‌شود و در نتیجه خواست و اندیشه آزاد، ارتکاب جرم را انتخاب کرده و به آن می‌پردازد (الهام و دانش ناری، ۱۳۹۲، ۱۰). برخلاف نظریه‌های جبرگرا که انسان را از پروسه ارتکاب جرم خارج می‌دانستند و فقط جبر جسمانی و اجتماعی را در این موضوع دخیل می‌دانستند، نئوکلاسیک نوین اراده آزاد شخص مجرم را در محور بحث قرار می‌دهد و تنها آن را باعث ارتکاب جرم می‌داند. تا پیش از این، جریان پوزیتوسیم، جریان جامعه‌شناختی جنایی و پس از آن دفاع اجتماعی نوین به نوعی به جبرگرایی می‌پرداختند (نجنفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳، ۱۸)، حال آن که نئوکلاسیک نوین مبتنی بر اراده آزاد مجرم در ارتکاب جرم می‌باشد (داودی گرمارودی، ۱۳۸۳، ۲۲۷).

۲-۱- عقلانیت و حسابگری در ارتکاب جرم

در گفتمان نئوکلاسیک نوین مجرم فردی است عقل گرا و حسابگر که در ارتکاب جرم عقلانیت و حسابگری را به کار می‌بندد و حساب سود و زیان خود را در ارتکاب جرم، از قبل انجام می‌دهد و در صورتی که میزان سود حاصله از هزینه ارتکاب جرم بیشتر شود، آن وقت دست به ارتکاب جرم خواهد زد (داودی گرمارودی، ۱۳۸۳، ۲۲۹) و (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱، ۲۴۶)؛ بنابراین، می‌توان گفت سودمندی از ارتکاب جرم نتیجه معقول حسابگری فرد مجرم است (جعفری، ۱۳۹۲، ۱۸۰). بنام از پیشگامان این موضوع بود و اقتصاددانی به نام گری بیکر با استفاده از روش‌های معمول در علم اقتصاد، بزهکار را انسانی عادی و حسابگر می‌داند که به دنبال یک سلسله معادلات است. ولی عقیده دارد که برای برهم زدن معادلات مجرم، لازم است که زرادخانه کیفری متوع شود و میزان مجازات‌ها تشدید شود و نیز عملکرد دستگاه قضایی دورنمای وحشتناکی را برای دیگران فراهم آورد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳، ۲۳).

۳-۱- توجه به ریسک‌پذیری مجرم در ارتکاب جرم

بعد از آن که مجرم بر اساس اراده آزاد خود ارتکاب جرم را برگزید و عقلانیت و حسابگری خود را نیز در حساب سود و زیان ارتکاب جرم سنجید، حال نوبت آن است که عوامل خطر را در سطح جامه‌پذیرد و از آن‌ها عبور کند (الهام و دانش ناری، همان، ۶). خطر دستگیری، خطر مجازات شدن، خطر عبور از قانون و... هر چه مجرم از عوامل پیشگیری وضعی که در آستانه ارتکاب جرم وضع شده‌اند بتواند خود را در ارتکاب جرم محک بزند و به ارتکاب آن دست زند آن شخص پریسک خواهد بود، لذا میزان خطرناکی وی در نتیجه حسابگری و عقلانیت، به اثبات می‌رسد؛ بنابراین، می‌توان گفت پذیرش ریسک جرم به هر میزان حکایت از درجه خطرناکی مجرم دارد و از این رهگذر بدان دلیل که جامعه را درگیر کنترل پذیرش خطر از جانب بزهکار نموده است (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ۶۰) می‌توان به وی پاسخ سختگیرانه هدمند و هوشیارانه داد.

۲- زمینه‌های شکل‌گیری نئوکلاسیک نوین

گفتمان نئوکلاسیک نوین از ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی شروع به رشد نمود و ظهور خود را مدیون شکست تئوری‌ها و سازوکارهای اجرایی و متعاقباً دستاوردهای مکاتب قبلی می‌داند. پس از نود سال حکومت جبرگرایی بر

جرم‌شناسی مجدداً اراده آزاد در ارتکاب جرم محور بحث‌ها شده بود و گفتمان نوکلاسیک نوین به‌عنوان رویکرد غالب در این زمینه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. عوامل ظهور نوکلاسیک نوین و شکست مکاتب جرم‌شناسی قبلی را به صورت خلاصه می‌توان در موارد ذیل بیان نمود:

۲-۱- آمار بالای جرائم

افزایش سرسام آور نرخ جرم در کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ میلادی تبدیل به یک بحران شده بود و مکتب دفاع اجتماعی و سیاست بازپروری موفقیت چشمگیری در مهار آن نداشت. به‌عنوان مثال به گزارش پلیس فدرال ایالات متحده آمریکا نرخ جرم قتل از ۴/۶ در سال ۱۹۵۰ میلادی به ۷/۹ در سال ۱۹۷۰ میلادی و ۹/۸ در سال ۱۹۷۴ میلادی در هریکصد هزار نفر رسیده بود (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۴، ۶۸). همچنین، در سطح اروپا نیز رشد جرائم بسیار بالا بود که حکایت از شکست سیاست جنایی بازپرورانه دفاع اجتماعی داشت که راه به جایی نبرده بود. با افزایش جرائم، سیاست جنایی با یک بحران لاینحل روبرو شده بود که لزوم تغییر در سیاست جنایی و مباحث جرم‌شناسی را مطرح می‌کرد.

۲-۲- تورم جمعیت کیفری زندان‌ها

افزایش آماری زندانیان و نبود امکانات و فضای ندامتگاه‌ها باعث معضلات فراوانی شد که مهم‌ترین آن عدم کارایی سیاست‌های بازپرورانه در مورد زندانیان و نتیجه معکوس و غیرقابل پذیرش در این عرصه است. تورم کیفری و فزونی محکومین در زندان‌ها گاهی منجر به شورش‌هایی در زندان‌ها نیز شد (روت، ۱۳۹۴، ۲۵۰)، مثلاً در سال ۱۹۷۱ میلادی در زندان نیویورک در طی یک شورش توسط زندانیان سی و نه نفر از جمله ده افسر مأمور اصلاح و کارمند زندان کشته شدند (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۰، ۱۳۲).

۲-۳- شکست سیاست بازپروری

رابرت مارتینسون جرم‌شناس لیبرال نیویورکی اولین کسی بود که در سال ۱۹۷۰ میلادی به صورت قاطعانه شکست سیاست‌های بازپرورانه را اعلام کرد (کونانی و سلطانی بیدگلی، ۱۳۹۰، ۱۳). با بررسی‌هایی که وی بر روی دویست و سی و یک زندانی درباره تأثیر نظام زندان‌ها پرداخت دریافت که سیاست‌های بازپرورانه بر روی آن‌ها تأثیری نداشته است؛ بنابراین، پس از انتشار نظریات وی جنبش ضدبازپروری با

توسل به بنیان‌های تغییر اساسی در قالب رویکرد فکری ساختارزدایی مطرح شد (الستی، ۱۳۸۹، ۱۵۹). اعمال بازپرورانه به صورت کند انجام می‌شد و تعداد زیاد زندانیان و در نتیجه تورم کیفری باعث شد که به صورت دقیق به این موضوع پرداخته نشود و آن دسته از مجرمین نیز که به صورت مشخص مورد بازپروری قرار می‌گرفتند پس از آزادی از زندان مجدداً مرتکب تکرار جرم می‌شدند.

۲-۴- تکیه بر کیفرهای نامعین

به دلیل آن که فضای جرم شناختی حاکم بر سیاست جنایی پیش از سال‌های ۱۹۷۰ میلادی، مبتنی بر بازپروری بود، اصلاح و تربیت مجرمان به این صورت بود که آن‌ها در زندان تحت مراقبت‌های ویژه قرار می‌گرفتند و تا زمانی که از برنامه‌های زندان تبعیت نمی‌کردند و مورد تأیید زندان بانان و مأمورین اصلاح و تربیت قرار نمی‌گرفتند، به هیچ عنوان به آزادی نائل نمی‌شدند (Doherty, 2013, 1004) و کیفرهای نامعین تا زمان اصلاح مجرم به طول می‌کشید که این سیاست‌های بازپرورانه منجر به تورم کیفری زندان‌ها شد (الستی، ۱۳۸۹، ۲۴۶).

وجود مجازات‌های حبس نامعین در ایالات متحده آمریکا به‌ویژه مناطقی از کالیفرنیا که مدت زندان توسط کمیسیون ویژه‌ای بر مبنای میزان تغییر رفتار فرد از بعد اجتماعی و روانشناسی^۲ تعیین می‌شد؛ بنابراین، نظریات کمیسیون ویژه بازپروری در مواردی با اعمال غرض و سوءاستفاده و تبعیض همراه می‌شد. مثلاً دیدگاه آن‌ها همواره نسبت به سیاه پوستان و افراد فقیر جامعه تفاوت داشت و آن‌ها از نظر کمیسیون دیرتر به بازپروری نائل می‌شدند که این موضوع منجر به اجازه طرح دعوی از جانب زندانیان و دفاع از حقوق خود در سال ۱۹۶۱ میلادی شد (الستی، ۱۳۸۹، ۲۴۶).

۲-۵- هراس از جرم و ترس از بزه دیدگی

رشد بالای جرائم و تورم کیفری زندان‌ها و عدم اصلاح مجرمین، پیرو سیاست‌های بازپرورانه و نرخ بالای تکرار جرم در افکار عمومی جامعه تأثیرات فراوانی را بر جای گذاشت و در این میان رسانه‌های ارتباط جمعی به این موضوع دامن می‌زدند و هر روز از جرم و مجرم شخصیت‌های خطرناک و مضری برای جامعه می‌ساختند. افراد جامعه نیز در نتیجه مشاهده جرائم خشونت بار و نرخ بالای آن‌ها دچار نوعی ترس

۲- نه بر مبنای جرم ارتكابی

از جرم و هراس اخلاقی می‌شدند و بیم بزه دیده واقع شدن در میان آن‌ها رواج فراوان یافت (فارال و همکاران، ۱۳۹۲، ۷۷). زیرا می‌دیدند که عدم اصلاح مجرمین تکرار جرم را به بار می‌آورد و همه روزه افراد بسیاری مورد بزه دیدگی واقع می‌شوند، لذا این سرنوشت را نیز در انتظار خود می‌دیدند و از این حیث خواستار برخورد جدیدی غیر از بازپروری با مجرمین بودند که این موضوع ظهور سیاست سختگیرانه و سزاده را بیشتر تقویت می‌کرد.

۲-۶- ظهور پست مدرنیسم و تشکیل جریان ساختارزدایی

پست مدرنیسم به یک جریان فکری انتقادی و ساختارشکن گفته می‌شود که علیه نظام مدرنیته به‌عنوان یک معضل اجتماعی برای منزوی ساختن بشر امروزی، به مبارزه می‌پردازد. پیشگامان مردمی پست مدرنیسم دهقانان و جوامع کشاورزی کوچک بودند که اکثریت پیروان آن را تشکیل می‌دادند. در واقع، آن‌ها به دنبال احیای حقوق و مزایای از دست رفته خود بودند که چرخ‌های صنعت و مدرنیته، آن را له کرده بود. آنان می‌پنداشتند که افراد ثروتمند و صاحبان صنایع، آینده آن‌ها را با خطری جدی روبرو خواهند کرد، لذا باید علیه مدرنیته به قیام برخاست (suri parkash, 1998, 49).

پست مدرنیسم در نگاه اول به معنی نفی مدرنیسم نیست بلکه می‌خواهد مدرنیسم را در قالب یک ساختار و اساس جدید ارائه نماید و در بادی امر هرچند که چشم‌اندازی بسیار منفی را در پی دارد بر پایه حمایت‌های اساسی از بشر امروزی که توسط دیگران به تحقیر کشیده شده است، تشکیل شد (Nopkings, 2009, 289)؛ بنابراین، لازم بود که جامعه در نتیجه جریان پست مدرن از ساختار صنعتی به ساختار جامعه خطر تبدیل شود و هر چه خطر ارتکاب جرم در جامعه و در نتیجه تخریب و ایجاد معضل در ساختارهای آن بیشتر باشد، برای سازمان‌دهی پاسخ به خطرات لازم است که به‌طور فزاینده‌ای، جامعه سرگرم تولید ایمنی و کنترل خطرات شود و از یک روش سیستماتیک در برخورد با خطرات و ناامنی استفاده کند که این خود نیاز به یک نوسازی در ساختار قبلی خواهد داشت. لذا لازم بود که تغییراتی در ساختار جامعه برای واکنش به جرم حاصل شود (Nopkings, 2009, 290).

با شکل‌گیری پست مدرنیسم در هنر، معماری، ادبیات و فلسفه سرانجام جرم‌شناسی نیز تسلیم ایده‌های آن شد؛ بنابراین، با وجود عوامل گسترده‌ای که زمینه ایجاد نئوکلاسیک نوین را فراهم کرده بود پست مدرنیسم به‌عنوان جریان ساختارشکن ظهور کرد و به عوامل دیگر شکل‌گیری نئوکلاسیک نوین اضافه

شد. در ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی در نتیجه موارد گفته شده قبلی حتماً لازم بود که در عرصه سیاست جنایی برای واکنش به جرم با رویکردی متفاوت و جرم‌شناسی با ساختار تئوریک جدید، تغییراتی بنیادین حاصل شود تا بحران در سیاست جنایی و عدم کارآمدی تئوری‌ها و سازوکارهای جرم‌شناسی در کنترل جرم، به نحو مؤثری ترمیم شود (جعفری، ۱۳۹۲، ۴۲). این احساس نیاز که به ساختارشکنی به عنوان عامل اجرایی پیش برنده اهداف خود می‌نگریست، با ظهور پست مدرنیسم زمینه‌های اجرایی شدن اهداف، تعاریف، سازوکارها، ابزارها و رویکردهای نئوکلاسیک نوین را فراهم گردید (Morrison, 1995, 309).

۲-۷- شکل‌گیری جرم‌شناسی واکنش اجتماعی یا انتقادی

از ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی در امریکای شمالی و اروپای غربی موج جدیدی از تفکرات جرم‌شناختی انتقادی با شعار ساختارزدایی از سیستم اصلاح و تربیت و بازپروری ناکارآمد دفاع اجتماعی، روی کار آمد و علت‌شناسی جرم را نه در وجود انسان‌ها به عنوان مجنون و دارای اختلال روانی و جسمانی و نه در سطح جامعه تحت عناوین علل جامعه‌شناختی (طاهری، ۱۳۹۲، ۷۹)، بلکه دلایل ارتکاب جرم را در نهادهای مکانیکی تشکیل‌دهنده جامعه و نیز نهادهای نظام عدالت کیفری و نحوه برخورد آن با مجرمان از منظر سیاست‌های کنترل جرم جست‌وجو می‌کردند (گسن، ۱۳۹۷، ۱۰۱).

جرم‌شناسی معروف به جرم‌شناسی انتقادی با تفکرات رادیکال و تندرو به مفهوم مخالفت با وضع موجود و خواهان تغییر اساسی و بنیادی در ساختارها و باورهای مبتنی بر ساختار ایدئولوژیک تفکر رایج بر جرم‌شناسی گفته می‌شود که با هجوم به پایه‌های اساسی آن سعی در تغییر ساختار آن را دارد (صفاری، ۱۳۹۰، ۵۰۶). این نگاه انتقادی به دنبال ظهور جریان پست مدرن تشکیل شد (وایت و هینز، ۱۴۰۳، ۳۵۹) و شاخه‌های گسترده خود را در قالب‌هایی همچون نظریه تضاد، نظریه تعامل گرایی، نظریه آنارشیزم، نظریه فمینیسم، جرم‌شناسی سازمانی و... ارائه نمود.

از عوامل تقویت‌کننده جریان انتقادی موسوم به واکنش اجتماعی که در ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت می‌توان به وجود جنبش‌های رهایی بخش در آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی در کشورهای آفریقایی علیه استعمار و هم‌زمان واکنش‌های شدید مردمی به دنبال حضور ایالات متحده امریکا در جنگ ویتنام و تجهیز افکار عمومی علیه سیاست خارجی ایالات متحده امریکا و نیز ظهور جنبش‌های اعتراض‌آمیز به جریان سرمایه داری، امپریالیسم و کاپیتالیسم جهانی اشاره نمود که به تفکرات جرم

شناختی نیز رسوخ کرد. این موضع‌گیری توسط جمعی از جرم‌شناسان امریکایی با مرکزیت دانشگاه برکلی که به‌عنوان نمایندگان جنبش‌های اعتراض‌آمیز علیه جرم، روند موضوع را در کنترل خود قرار دادند انجام شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹، ۲۵).

جرم‌شناسی واکنش اجتماعی که حاوی مضامین انتقادی و رادیکالی می‌باشد را باید از مفهوم جرم‌شناسی مارکسیستی جدا کرد. چرا که جرم‌شناسی مارکسیستی به دنبال انتشار «مانیفست کمونیسم» که توسط کارل مارکس و فریدریش انگلس در سال ۱۸۵۰ میلادی، علیه کلاسیک‌ها نوشته شد تشکیل گردید که با نفی اراده آزاد بشری در ارتکاب جرم و حذف عقلانیت و حسابداری صرفاً بر پایه جبریت اقتصادی، عامل اصلی ارتکاب جرم در جوامع را تجمع سرمایه داری در میان اقشار خاص اجتماعی و شکل‌گیری تضاد طبقاتی و عدم توزیع عادلانه ثروت در میان مردم می‌دانستند (ولد و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۵۴).

حال آن که جرم‌شناسی موسوم به واکنش اجتماعی در آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی بدون در نظر گرفتن عوامل جبرگرایانه و نه صرفاً بر مبنای اصول اقتصادی، ضعف و نقص در ساختارهای اجتماعی و نهادهای متولی کنترل جرم را عامل ارتکاب جرم می‌داند. لذا خلط مبحث این دو موضوع و یا ذکر آن‌ها به‌عنوان مترادف نمی‌تواند صحیح باشد. ظهور جرم‌شناسی واکنش اجتماعی با خصیصه انتقادی و شورش علیه جبرگرایی زمینه تقویت نئوکلاسیک نوین را ایجاد کرد و توانست فضای مناسبی را برای مانور نظریات آن پیدا کند.

۳- عوال رشد نئوکلاسیک نوین در ابتدای قرن بیست و یکم میلادی

شروع قرن بیست و یکم میلادی را می‌توان از منظر حوادث بنیادین و تشکیل رویکردهای مبنایی انتقادی در عرصه جرم‌شناسی، یک برهه زمانی پراهمیت دانست؛ چرا که جرم‌شناسی انتقادی باعث گردیده بود نظام اصلاح و تربیت و کیفردهی بازپرورانه به شدت تحت الشعاع قرار گیرد و پایه‌های آن از هم پاشیده شده و پیرامون ظهور و بروز اندیشه‌های مدرن، جرم‌شناسی به دنبال آن بود تا جایگزین‌های نظریه بازپرورانه را بیابد؛ بنابراین، ظهور دو جریان مهم به نام‌های عوام‌گرایی کیفری و امنیت‌گرایی کیفری که هر دو از منظر سیاست‌های سختگیرانه و ابتناء بر نفی تسامح و تساهل به حوزه گفتمانی نئوکلاسیک تشابه زیادی داشتند، عرصه را بر رشد سریع اندیشه‌های نئوکلاسیکی باز کردند و از این حیث می‌توان گفت که زمینه گسترش نظریه‌ای جدید که قبلاً ظهور مجدد خود را اعلام کرده بود فراهم آمد.

۳-۱- سیاست جنایی عوام گرا یا تعامل گرایی کیفری

عوام گرایی کیفری، عنوانی جدید برای رویکردی متفاوت از عقلانیت و خردمندی در راستای به کارگیری سیاست های کیفردهی است که در آن جو سیاسی حاکم بر قدرت طلبی و افکار دیپلماتیک، نهایت سوءاستفاده خود را از حقوق کیفری و ابزارهای مجازات محور آن خواهد برد. برای آن که بتوان شناختی روشن از این قضیه به دست آید لازم است ابتدا این قضیه تعریف و سپس ویژگی های آن مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱-۱- تبیین مفهوم سیاست جنایی عوام گرا

عوام گرایی کیفری به معنای دخالت افکار عمومی جامعه و احترام به نظریات آن ها در واکنش به جرم با اهداف دیپلماتیک و پیشبرد موفقیت شخصی در بازی سیاسی است؛ بنابراین، سیاست جنایی عوام گرا در مقابل سیاست جنایی عقلانی و عمل گرا به کار گرفته می شود و هدف از آن دستیابی به مقاصد سیاسی و اهداف شخصی و رسیدن به قدرت و برتری سیاسی است و به عنوان ابزاری در دست صاحب منصبان و رجال سیاسی و اعضای گروه ها و احزاب قرار می گیرند تا بر اساس آن، به اهداف شخصی، نه اهداف سیاست جنایی دست یابند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹، ۱۹).

دولت از عوام گرایی کیفری به عنوان یک ابزار تنبیهی برای از میان برداشتن مخالفان خود استفاده می کند و با تعامل و آموزش به آن ها از طریق رسانه های وابسته به خود می کوشند با سیاستی سختگیرانه، واکنش به جرم را تنظیم نمایند و بتوانند از این طریق به خواسته های سیاسی خود از جمله اخذ رأی مثبت و ورود به محافل سیاسی دست یازند (Robert, 2003, 157). سیاست جنایی عوام گرا از طریق برآورده ساختن انتظارات افراد جامعه و جلوه قانونی دادن به نیازهای آنان، در جهت کسب مقاصد سیاسی و شخصی صاحبان و دست اندرکاران اجرای سیاست جنایی، همواره راهکاری سختگیرانه را در پیش می گیرد تا بدین وسیله رضایت خاطر مردم در پی نگرانی از بزه دیدگی و ناامنی را جلب نماید. به طور مثال، در سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ میلادی در ایالات متحده امریکا سیاست های سختگیرانه ای در نتیجه عوام گرایی کیفری اعمال گردید و چون قانون اساسی ایالات متحده امریکا بر پایه احساسات مردمی بنا نهاده شده است در راه سیاست بازی، قوانین مختلفی را تصویب نموده اند که همه آن ها برای تبلیغات انتخاباتی لازم بود (Tonry, 2004, 1188).

بنابراین، سیاست جنایی عوام گرا چون در جهت سیاست‌های سختگیرانه عمل می‌کند تا حدود زیادی همسو با جریان نئوکلاسیک نوین راه را برای بارور شدن اندیشه سزادهی و اعمال مجازات‌های سختگیرانه باز کرد هرچند که مبانی این دو جریان تا حدود زیادی با همدیگر متفاوتند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹، ۲۳).

۲-۳-۱- ویژگی‌های سیاست جنایی عوام گرا

سیاست جنایی عوام گرا هرچند که دارای بنیان‌های سختگیرانه واکنش اجتماعی است، اما اهداف دیگری را دنبال می‌کند و هرچند که توانست همسو با گفتمان نئوکلاسیک نوین راه را برای رشد آن فراهم نماید، دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد که آن را از نئوکلاسیک نوین سوا می‌سازد. ویژگی‌های سیاست جنایی عوام گرا به صورت خلاصه می‌تواند در موارد ذیل آورده شود:

اول- کنارگذاشتن کار کارشناسی: سیاست جنایی عوام گرا دنبال کار کارشناسی بر روی قوانین مصوب خود نیست و تنها برای ایفای وعده‌های انتخاباتی و معمولاً برای یک دوره چهار ساله یا هشت ساله کاربرد دارد و پس از آن معمولاً کنار گذاشته می‌شود.

دوم- نادیده گرفتن یافته‌های جرم‌شناسی: سیاست جنایی عوام گرا یافته‌های جرم‌شناسی را در تصویب قانون و سیاست جنایی خود نادیده می‌گیرد و به دنبال یک برنامه بلندمدت نیست تا بر اساس آن اهداف جرم‌شناختی را دنبال کند.

سوم- مبنا قراردادن افکار عمومی: سیاست جنایی عوام گرا بر مبنای افکار عمومی بنا نهاده می‌شود و افکار عمومی است که تعیین‌کننده نوع واکنش به جرم خواهد بود و دولتمردان نیز صرفاً بر مبنای همان خواست مردمی قوانین خود را مصوب می‌کنند، مانند ابقای مجازات اعدام در ایالات متحده آمریکا و بلاروس. به‌طوری که در سال ۲۰۱۰ میلادی، چهل و شش درصد مردم ایالات متحده آمریکا موافق مجازات اعدام بودند و در نوامبر ۱۹۹۶ میلادی، هشتاد درصد مردم بلاروس، با ابقای مجازات اعدام، طی یک رفراندوم ملی موافقت کردند که در نتیجه آن نظرسنجی‌ها اعدام در آن دو کشور ابقاء شد (مرادی حسن آباد و محمودی جانکی، ۱۳۹۱، ۹۱).

چهارم- تشکیل آن در پی یک اتفاق یا یک جرم خاص: سیاست جنایی عوام گرا معمولاً به دنبال یک اتفاق خاص شکل می‌گیرد و منجر به واکنش سریع نسبت به جرائم مشابه خواهد شد. مانند واکنش سریع به جنایات اشخاصی با نام‌های مستعار همچون اصغر قاتل، خفاش شب، عقرب سیاه و بیجه در

ایران که پس از شیوع ناامنی سیاست‌های سختگیرانه‌ای نسبت به ارتکاب جرم شکل گرفت. نمونه بارز این مورد برگزاری طرح ارتقای امنیت اجتماعی تهران بزرگ توسط پلیس شهر تهران است که با فواصل زمانی مشخص، تعداد زیادی از افراد تحت عنوان اراذل و اوباش دستگیر می‌شدند. همچنین است تصویب قوانین مگان در ایالات متحده آمریکا. علاوه بر این قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان آن مصوب ۱۳۹۸ نیز به دنبال وقوع چند فقره اسیدپاشی در شهرهای بزرگ ایران از جمله تهران و اصفهان بر روی زنان و دختران و در نتیجه مداخله سریع و زود هنگام سیاستگذار جنایی به تصویب رسید که زمینه‌های اصلی آن را می‌توان در ترس از جرم و بزه دیدگی شدن جست‌وجو کرد که دستاویزی برای متقاعد شدن تقنین و تجدیدنظر در مجازات اسیدپاشی در ایران شد.

پنجم- برتری سیاسی داشتن: سیاست جنایی عوام گرا صرفاً با برتری سیاسی انجام می‌گردد نه با موارد دیگر. برتری سیاسی به معنی دستیابی به اهداف و مزیت‌های سیاسی است و از این طریق در صدد کسب منافع شخصی می‌باشد تا بتواند جریان حزبی خود را از طریق برآورده ساختن وعده‌های انتخاباتی، صادق و سالم جلوه دهند. مانند تصویب قوانین فرانسه همچون قوانین جزایی مصوب ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ میلادی جهت سرکوبی تکرارکنندگان جرائم و پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات عمومی ۱۹۹۴ میلادی و تشدید آن در ماده ۱۲۱ قانون مصوب ۲۰۰۴ میلادی که در نتیجه عملی ساختن وعده‌های انتخاباتی به تصویب رسیدند (بوریکان، ۱۳۸۷، ۱۹۸).

۳-۲- عوامل تشکیل‌دهنده سیاست جنایی عوام گرا

سیاست جنایی عوام گرا، همچون دیگر اندیشه‌هایی که در عرصه جرم‌شناسی و سیاست جنایی حادث گردیده‌اند، محصول یک سری عوامل بنیادین است که لازم است مورد شناسایی قرار گیرند. بدیهی است شناسایی عوامل مربوط به تمایلات عوام گرایانه سیاست جنایی، به این مهم خواهد انجامید که شناختی دقیق‌تر نسبت به این موضوع به دست آید.

۱-۳-۲- نقش جریان لیبرال

لیبرالیسم نظریه‌ای است که خواهان حفظ درجاتی از آزادی در برابر هر نهادی است که تهدیدکننده آزادی بشر می‌باشد. لذا لیبرالیسم به معنای اصالت آزادی و حفظ کلیت آزادی بشری در مقابل

دستاوردهای بشری است و هر آن چه که آزادی بشر را به مخاطره اندازد، لیبرالیسم در جهت مقابله با آن برخواند خواست. تشکیل جامعه مدنی در دولت لیبرال به معنای آن است که همه افراد آزادانه در کنار یکدیگر به زندگی روزمره خود پردازند و وظیفه دولت لیبرال نیز حفظ آزادی‌های بشری در جامعه مدنی است و خود را در مقابل تعیین سرنوشت حقوق افراد مسئول می‌داند (Landesman, 2010, 172).

چون دولت لیبرال مشروعیت خود را از آرای مردمی می‌گیرد و تشکیل حکومت و مجلس از رأی مردم است، لذا برای کسب رأی مردم، توجه به خواسته‌های اساسی آن‌ها در قالب وعده‌های انتخاباتی و عملی ساختن افکار عمومی، در سرلوحه کار دولت لیبرال قرار می‌گیرد. تا آن جا که این موضوع به سیاست جنایی نیز رسوخ کرده و تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های مردمی، سیاست جنایی روز به روز به سمت عوام‌گرایی در حال حرکت است. دولت لیبرال آزادی‌های اساسی را تضمین می‌کند و هر آن چه که باعث از بین رفتن آزادی‌های اساسی شود، با سختگیری و شدت عمل روبرو خواهد شد. با این تفاسیر لیبرالیسم با تمامی ارکان تشکیل‌دهنده خود به عنوان یک عامل اساسی در شکل‌گیری سیاست جنایی عوام‌گرا شناخته می‌شود.

۲-۳-۲- تشکیل دولت‌های رفاه

دولت رفاه به معنی وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای در زمینه تأمین حداکثر استانداردهای زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت‌های زندگی است و اولویت اول، در خدمات همگانی صورت می‌گیرد. دولت رفاه به دنبال آرامش و آسایش مردمی است و با تأمین خدمات رفاهی برای تضمین بقاء در شرائط اقتصاد آزاد در پرتو دولت دموکراتیک شکل می‌گیرد که پیدایش آن‌ها به سال‌های دهه ۱۹۳۰ میلادی بر می‌گردد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۹، ۱۳۴).

دولت‌های رفاه باعث شدند که مردم جامعه به نوعی به دسترسی کامل به خدمات، آرامش و امنیت عادت کنند و هر گونه مخالفت با این آرامش حاصل از رفاه مادی، به شدت از جانب آن‌ها ناخوش آیند باشد. دولت‌های رفاه همه امور مادی را برای شهروندان حاصل می‌کردند و هر گونه ناامنی را به شدت سرکوب می‌کردند و همین موضوع باعث شد تا به نوعی به عوام‌گرایی کیفری تمایل پیدا کنند. شهروندان که از همه جهت خود را در رفاه می‌دیدند با هر نوع ارتکاب جرم در جامعه امنیت خود را در خطر می‌یافتند و از دولت‌ها می‌خواستند که واکنش سریع به ارتکاب جرم نشان دهند که این خود راه را برای

سیاست جنایی عوام گرا باز کرد و تا حدودی به این موضوع دامن زند که افکار عمومی در صدر اعمال سیاست جنایی قرار گیرد.

۳-۲- گسترش رسانه‌های جمعی

از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی رسانه‌های جمعی گستردگی فراوانی یافتند و به حجم آن‌ها افزوده شد. اینترنت به عنوان شاهکار بشری و همچنین فناوری‌های ماهواره‌ای به رسانه‌ها افزوده شدند و روز به روز دهکده جهانی به واقعیت خود نزدیک‌تر شد. رسانه‌های جمعی به عنوان بازوی اصلی انتشار اخبار و اطلاعات در سطح جهان، نقش فراوانی را در شکل‌دهی به سیاست جنایی و سمت و سو دادن به نظام عدالت کیفری ایفاء می‌کنند (فرجیها، ۱۳۸۵، ۵۸). بدین صورت که با به تصویر کشیدن موضوع خاص مجرمانه و صحبت جنجالی درباره آن، از یک طرف ناامنی ناخواسته‌ای را در اذهان مردم تشکیل می‌دهند که ترس از جرم و بزه دیدگی نتیجه آن است (مگواپر و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۰۱) و از طرف دیگر به عنوان ابزاری برای به ثمر رساندن اهداف دولتمردان به کار گرفته شده‌اند.

فعالیت‌های تبلیغاتی و هدایت افکار عمومی به سمت مسیری که خود می‌خواهند باعث گردیده تا رسانه‌های ارتباط جمعی در صدر سوءاستفاده‌های ابزاری قرار بگیرند. نمونه بارز استفاده رسانه‌ای مربوط می‌شود به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا که دو جریان دموکرات و جمهوری خواه هر کدام به نحوی سعی در متعاقب ساختن افکار عمومی و همراهی آنان با خود دارند و از این طریق پس از کسب رأی و جلب اعتماد مردمی، سیاست‌های خود را از طریق این رسانه‌ها توجیه می‌نمایند. باین حال، می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی مورد سوءاستفاده ابزاری از ناحیه دولتمردان قرار می‌گیرند و بر پایه آن کنترل افکار عمومی را در راستای پاسخ به جرم به دست می‌گیرند و بیش از پیش به ابزاری برای عوام زدگی سیاست جنایی بدل می‌گردند. برای مثال می‌توان گفت در فرانسه، در نتیجه تبلیغات سیاسی آقای سارکوزی، رئیس جمهور اسبق و متعاقب آن خواست مردمی برای ایجاد وعده‌های انتخاباتی، قانون امنیت داخلی فرانسه در ۲۰۰۳ میلادی تصویب شد که به قانون امنیت سارکوزی معروف گردید که به وضوح نقش رسانه‌ها را در این میان می‌توان برآورد نمود (کاشفی اسماعیل زاده، ۱۳۸۴، ۲۷۱).

۳-۳- سیاست جنایی امنیت گرا (امنیت‌گرایی کیفری)

بدون شک هدف اصلی و اولیه از وضع و تنظیم قواعد حقوقی، اجرای نظم در جامعه و امنیت اجتماعی است و بدون توجه به این شاخصه مهم نمی‌توان به قانون‌گذاری کیفری پرداخت. قانون کیفری در وهله اول باید بتواند امنیت جامعه را برقرار سازد. تأمین امنیت جامعه به مفهوم اقدام به مهار و کنترل جرم و رفتارهای ضداجتماعی از طریق عقوبت کیفری سختگیرانه، ترس از جرم را کاهش داده و نیاز آرامش بشری را حاصل خواهد کرد که این موضوع به اولویت اول جرم‌شناسی در ابتدای قرن بیست و یکم میلادی بدل گردیده است (Squires, 1997, 36). امنیت اجتماعی در عرصه ملی و داخلی با حجم بالای قانون‌گذاری کیفری و لزوم پرداختن سریع به آن، برنامه‌های وسیع کشندگان نظام عدالت کیفری را تحت پوشش خود قرار داده است و سیاست جنایی حاکم بر آن همواره از بعد اجرایی، در دستور کار قرار گرفته و واکنش اجتماعی برقرار گردیده است (قناد و اکبری، ۱۳۹۶، ۴۱).

از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد امنیت ملی بعد گسترده‌تر و وسیع‌تری تحت عنوان امنیت جهانی به خود گرفته است. امنیت از مرزهای یک کشور خاص فاصله گرفته و به سرعت در حال فراگیری جهانی است و به دنبال رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات، گسترش امور حمل و نقل و ارتباطات سریع هوایی، دریایی، زمینی، گسترش علوم و دانش و تکنولوژی جهانی امکان ارتکاب جرم در سطح بین‌الملل و جامعه جهانی را فراهم آورده است و تهدید به ناامنی و ترس از جرم در یک معنای واقعی و مستقل جهانی، به چالش جدید نظام بین‌المللی بدل گشته است (Ram, 2011, 9).

گسترش روزافزون جرائم سازمان یافته فراملی که در کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰ میلادی پالرمو متجلی است و ارتکاب وسیع آن‌ها در عرصه بین‌المللی دو موضوع جدید در مطالعات جرم‌شناسی را تحت عنوان جهانی شدن جرم و سازمان یافتگی جرم حاصل نموده است که روز به روز موضوعات مهم و اساسی را در چالش نظم عمومی بین‌المللی و امنیت جهانی به تصویر می‌کشد. می‌توان گفت به دنبال شکل‌گیری موج گسترده‌ای از جرائم مختلف و ارتکاب آن‌ها در سطح بین‌المللی به صورت سازمان یافته و هدفمند و با کسب سود و منفعت کلان شخصی لازم است برای واکنش به این جرائم و حفظ امنیت بین‌المللی، قوانین مهم و مختلف ملی، در قالب قوانین کیفری و قواعد و مقررات بین‌المللی در قالب کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و اعلامیه‌ها، تصویب شوند تا اقدامات سریع و محکمی در

راستای حفظ نظم عمومی بین‌المللی صورت گیرد.

مهم‌ترین چالش که در این میان باعث گردیده تا واکنش به جرائم جهانی و سازمان یافته به کندی صورت گیرد و یا با ناکارآمدی روبرو شود، عدم الزام و اقتدار قانونی در عرصه بین‌المللی است. اما فارق از این مسائل تلاش‌های جرم‌شناسی فراوانی از ناحیه جرم‌شناسان امریکای شمالی برای شکل‌گیری یک جرم‌شناسی خاص و متعاقباً یک سیاست جنایی افتراقی جهانی، صورت گرفته است و با ارائه کنفرانس‌های مهم علمی و سازنده سعی در جانداختن اهمیت موضوع و ارائه تعایف، ساختارها، سازوکارها و ابزارهای متناسب برای شناخت و پاسخ‌دهی به جرائم جهانی و سازمان یافته دارند (Franko, 2007, 175).

همچنان تلاش‌های سازمان ملل متحد در این راستا و تشکیل دو کنوانسیون مهم تحت عنوان کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰ میلادی پالمو و کنوانسیون مقابله با فساد مصوب ۲۰۰۳ میلادی مریدا، حکایت از نگرانی این سازمان جهانی در مقابله با جرائم جهانی و سازمان یافته دارد^۳ که در کنفرانسی که در سال ۲۰۱۰ میلادی به همت این سازمان شکل گرفت، همه کشورهای عضو را به همکاری و همراهی در راه مبارزه با این گونه جرائم دعوت نمود و از آن‌ها خواست تا به یک اجماع جهانی نائل شوند و بتوانند با شکل‌دهی سازوکارهای متناسب با موضوع و تشکیل الزامات فراملی راه را برای رسیدن به هدف حفظ امنیت جهانی هموار سازند (Nobel, 2010, 11).

طبق آمارهای ارائه شده بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ میلادی، بیست و نه درصد عواقب اعمال

۳- آمارهای بالایی که از جرائم سازمان یافته فراملی در بعد جهانی ارائه می‌گردد، نگرانی شدیدی را در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده است و ترس از جرم و بزه دیدگی که ویژه یک منطقه یا کشور خاص بود، به نظم جهانی نیز سرایت کرده و اکنون این نگرانی کشورهای عضو جامعه جهانی را در یک مقصد جدی قرار داده و آن‌ها را وادار به تجهیز شدن و به کارگیری یک سیاست جنایی امنیت گرا و نیز شکل‌دهی به یک جرم‌شناسی جهانی، نموده است. لذا برای حفظ امنیت جهانی لازم است همه کشورها تحقیقات جرم‌شناسی خود را با تمام مشکلات و چالش‌های جدی آن، آغاز نمایند (Knepper, 2012, 201). جرائم سازمان یافته فراملی در گونه‌های فراوانی ارتکاب می‌یابند از جمله قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و مهمات، آدم ربایی و قاچاق انسان به خصوص کودکان و زنان، پولشویی، جرائم اقتصادی، فحش‌های اجباری، قاچاق اعضای بدن انسان و... اما علاوه بر خطر همه این جرائم آن چه که سطح امنیت جهانی را در بعد بسیار وسیع و گسترده‌تری تحت تأثیر خود قرار داده است، جرائم تروریستی است و جرائم سازمان یافته فراملی هرچند به نوبه خود در سطح بین‌المللی ناامنی زیادی را ایجاد کرده‌اند و خسارات فراوانی را به امنیت ملی و نظام سیاسی و اقتصادی کشورها وارد می‌آورند، هیچ‌گاه به اندازه تروریسم بین‌المللی نتوانسته‌اند تا این حد افکار عمومی جهانی را به سمت ترس از جرم و بزه دیدگی هدایت کنند.

تروریستی متوجه شهروندان عادی گردیده و مراکز دولتی هدفه درصد و مراکز نظامی و پلیسی چهارده درصد مورد حمله تروریست‌ها قرار گرفته‌اند. بیشترین حملات تروریستی در خاورمیانه و شمال آفریقا اتفاق افتاده است که گروه طالبان و بعد از آن القاعده با اهداف و اعتقادات مذهبی و بعد سیاسی، ملی و وطنی مرتکب بیشترین حملات تروریستی شده‌اند. در این بین کشور عراق قربانی بیشترین حملات تروریستی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ میلادی بوده است و طبق آمارهای ارائه شده، حملات تروریستی انجام شده در عراق در بین این سال‌ها برابر با کل حملات تروریستی ارتکاب یافته در دنیا می‌باشد که به یک بحران و فاجعه جهانی تبدیل شد. همچنین، سایر کشورها نیز به نوبه خود شاهد اعمال تروریستی علیه شهروندان خود بودند که هر کدام از این پدیده نوظهور جهانی خسارات جسمانی، مالی، مادی و سیاسی فراوانی را پذیرفتند و نگرانی زمانی بیشتر شد که طبق آمارها شیوع تروریسم از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ میلادی به میزان هفتاد درصد افزایش یافته است (Stepanova, 2002, 50).

ارائه چنین آمارهایی از شدت تخریب اعمال تروریستی حکایت می‌کند و لازم است که دولت‌های قربانی اعمال تروریستی از حیث تجهیز زرادخانه کیفری خود، سیاست سرکوبگرانه و سختگیرانه‌ای را نسبت به مرتکبین این اعمال در پیش گیرند. به نظر می‌رسد با ظهور جرائم جهانی شده و سازمان یافته و تکثیر سریع آن‌ها و بر جای گذاشتن آثاری مخرب و زیان بار بتوان از شکل‌گیری جرم‌شناسی جهانی و به دنبال آن سیاست جنایی امنیت گرای جهانی سخن گفت. زیرا در پی شدت یافتن این اعمال، قوانین مختلف کشورها به سمت واکنش شدید به این دسته از جرائم در حال تغییر و تحول و دگرگونی است و کشورها اهمیت این موضوع را به صراحت در یافته‌اند. نمونه بارز این موضوع تصویب قانون میهن پرستی ایالات متحده آمریکا^۴ ظرف چهل و پنج روز پس از حادثه تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، می‌باشد که اقدامات همه جانبه علیه تروریسم در آن طراحی گردیده است (محسنی، ۱۳۹۱، ۱۸۵).

همچنین، در ایران در راستای جلوگیری و مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی و جهانی می‌توان به تصویب کنوانسیون مریدا در سال ۱۳۸۷، قانون مبارزه با امنیت مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و همچنین تصویب قوانین مربوط به توافقات همکاری قضایی و کیفری با کشورها در سطح منطقه‌ای، اشاره کرد که سیاست جنایی ایران در عرصه مبارزه با این

۴- USA Patriot Act 2001

جرائم را به سمت افتراقی شدن پیش برده است.

تروریسم از بعد این که معمولاً با اهداف و انگیزه‌های مذهبی، سیاسی، ملی و وطنی ارتکاب می‌یابد و بر مبنای ایمان افراطی به آرمان‌ها و اهداف بلندپروازانه توسط افرادی که معمولاً فاقد سلامت روان می‌باشند صورت می‌گیرد، از این حیث می‌تواند مورد سوءاستفاده سیاسی از جانب دولتمردان واقع شود. مانند اسامه بن لادن که فردی ثروتمند بود و می‌توانست یک زندگی مرفه داشته باشد و با این حال دست به اقدامات تروریستی زد (Borum, 2004, 6).

به دنبال بروز سیاست‌های سختگیرانه در نظام‌های کیفری کشورهای جهان خصوصاً در برهه زمانی ربع آخر قرن بیستم میلادی و ابتدای قرن بیست و یکم میلادی، سیاستگذار جنایی ایران نیز به سمت توجه به بعد سختگیری و اهمیت مقابله سرسختانه برای حمایت از وضعیت‌های خاص بشری متمایل گردید. در این راستا، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶ با هدف حمایت از شخصیت معنوی و جلوگیری از سوءاستفاده از حق خلوت افراد انسانی به تصویب رسید. همچنین از حیث امنیت شبکه‌ای و مقابله با تروریسم خصوصاً در توسل به حمله به زیرساخت‌های حیاتی و صدمه و آسیب جدی به تأسیسات مهم و اصلی کشور، ماده ۱۱ قانون مجازات جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ تصویب گردید. تصویب این قوانین حکایت از تمایل و خواست قانون‌گذار ایرانی به سمت مقابله شدیدتر با برخی از جرایم با اهداف خاص دارد.

تروریسم و جرائم سازمان یافته فراملی منجر به شکل‌گیری سیاست جنایی امنیت گرا شده‌اند که هدفی اصلی آن در پاسخ‌دهی و واکنش به جرائم حفظ امنیت جهانی و ملی است و برای این که سیاست جنایی امنیت گرا بتواند در این راستا با بحران عدم کنترل جرم روبرو نشود لازم است که یک جرم‌شناسی جهانی با اهداف، تعاریف، سازوکارها و ابزارهای متناسب با موضوع شکل گیرد و بتواند به‌عنوان اهرم اجرایی شدن سیاست جنایی امنیت گرا در سطح جامعه بین‌المللی، به ارائه راهکارهای کنترل جرم در بعد بین‌المللی هموارسازی راه دشوار خود را فراهم سازد. سیاست جنایی امنیت گرا، لازم است که با سختگیری و به کارگیری روش‌های سزادهی به کنترل جرم پردازد و شکل‌گیری قوانین کیفری بر پایه این تفکر بر مبنای شدت کیفرها و عدم اقماض و تساهل ایجاد گردیده است که این خود می‌تواند زمینه گسترده‌گی فضای رشد سریع نئو کلاسیک نوین را که خود مبتنی بر سزادهی سنجیده و هوشمند است، فراهم نماید.

نتیجه

تحولات جرم‌شناسی از بستر نظریه‌پردازی‌های متفاوت و متضادی که از جانب اندیشمندان این حوزه مطالعاتی صورت گرفته است، همواره سیاست جنایی تقنینی را به سمت به کارگیری تدابیر ویژه و خاص متناسب با این رویکردها سوق داده است. وجود نظریات مختلف جرم‌شناسی و بسترسازی‌های مناسب برای رشد و گسترش آن‌ها و نیز تحولات اجتماعی و سیاسی گوناگون در طول ادوار مختلف، قانون‌گذاران را مجاب نموده است تا بر مبنای خطی مشی یافته‌ها و آموزه‌های جرم‌شناسانه خود، تدابیر و اهداف جرم‌انگاری، پذیرش مسئولیت کیفری و گزینش پاسخ مناسب برای معضل جرم را سامان‌دهی نمایند. گفتمان نئوکلاسیک، پس از دوبار شکست در میانه بسط و گسترش نظریات جرم‌شناسی، اینک توانسته است به بستر رشد و تعالی اندیشه‌های خود دست یازد. تحولات انقلابی جرم‌شناسی پس از سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی و چرخش زاویه دید جرم‌شناسی از اهداف اصلاح و تربیت به سزاگرایی و طرد و ناتوان‌سازی بزه‌کاران، یکی از اهرم‌های رشد دوباره نئوکلاسیک و رویکرد سزاگرایی آن است و می‌توان گفت که تأکید بر عمل مجرمانه و نه شخص بزه‌کار که مبنای جرم‌شناسی نوین امریکایی شمالی و اروپای غربی را تشکیل می‌دهد، نئوکلاسیک جدید را به‌عنوان محصول نوین خود احیا نمود است.

گفتمان نئوکلاسیک جدید با احیای رویکردهای سزادهی و کیفرگرایی، با حذف تدریجی عوامل مخففه و سیستم‌های عدم اجرای مجازات حبس از قیل تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط از ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی عملاً به سمت اجرای یک سیاست سرکوبگر و سختگیرانه حرکت نموده است و بر مبنای این موضوع یک جریان فکری جدید را در جرم‌شناسی ایجاد کرده است تا بر اساس ابتناء جرم بر اراده آزاد، عقلانیت، حسابگری و ریسک‌پذیری مجرم در ارتکاب جرم بر اساس استحقاق شخص مجرم، به تنظیم واکنش اجتماعی سرکوبگر سنجیده بپردازد.

تا پیش از دهه ۱۹۷۰ میلادی بستر پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه بر مبنای شخصیت بزه‌کار و بررسی دلایل شخصی ارتکاب جرم از جانب وی استوار بود و هر گونه تغییر در اوضاع و احوال درونی شخص و ویژگی‌های جسمی، روحی و روانی وی واکنشی افتراقی از جانب دستگاه عدالت کیفری را به دنبال داشت و بنابر آن اهداف مجازات‌ها به اصلاح و درمان و سپس اصلاح و تربیت با هدف بازپروری و بازگشت اجتماعی بزه‌کار، محدود می‌شد. اما با شکل‌گیری جنبش‌های انتقادی ربع آخر قرن بیستم

میلادی اهداف مجازات‌ها از شکل سنتی خود خارج شد و بر محور سرسختی، سزادهی و ناتوان‌سازی بزهکار قرار گرفت و برای نیل به این موضوع ابزارهای ویژه و مشخصی به‌عنوان مجازات در گستره قوانین کیفری قرار گرفتند.

امروزه عوام‌گرایی کیفری، با قرار گرفتن حقوق جزا در میان سیاست حکومتی کشورها، اهداف سیاست جنایی تقنینی و چهارچوب آن را به سمت سیاست‌های سختگیرانه و عدم تساهل و تسامح در قبال رفتارهای بزهکارانه و گاهی منحرفانه سوق داده است. تکیه بر افکار عمومی جامعه و تسلط بر آن برای پیشبرد اهداف سیاسی، از رهگذر شعارهای تبلیغاتی گسترش حفظ نظم و امنیت به امنیتی شدن نظام عدالت کیفری منجر شده و زمینه‌های سزادهی بیشتر را که یکی از اهداف گفتمان نئوکلاسیک نوین است، به ارمغان آورده است.

بنابراین، می‌توان گفت امنیت‌گرایی سیاست جنایی، تا حدود بسیار زیادی نشأت گرفته از عوام‌زدگی کیفری است و چون این دو مقوله به موازات هم در حال تولد، گسترش و تکثیر یکدیگرند زمینه‌های بارور شدن و رشد عملی روزافزون اندیشه‌های گفتمان نئوکلاسیک سوم را فراهم آورده‌اند. متأثر از همین سیاست‌ها، نظام کیفری ایران و تصمیم‌گیری در عرصه سیاستگذاری جنایی مربوطه، در برهه‌های زمانی خاص و به دنبال دفاع از اهداف معین متمایل به سمت واکنش‌های مبتنی بر عوام‌گرایی و امنیت‌گرایی کیفری بوده است. رویکرد قانون‌گذاری در ایران متأثر از از شکل‌گیری گفتمان نئوکلاسیک نوین و ابزارهای تا حد زیادی سرکوبگر آن و نیز توجه به تئوری‌های بازگشت به کیفرگرایی و نیز لزوم استفاده از برنامه‌های سزاگرا در راستای کنترل جرم و مقابله همدند با پدیده مجرمانه، رویکردهای گذشته خود در قالب بازپروری را به سمت کیفردهی مجرمان، حداقل در قوانین خاص بومی‌سازی و متمایل نموده است.

نئوکلاسیک نوین، برای این که بتواند اندیشه‌های خود را به منصه ظهور برساند و در عمل بر فضای قانون‌گذاری کشورهای جهان تأثیر بگذارد، لازم است که بسترهایی برای رشد آن فراهم گردد. به نظر می‌رسد سیاست جنایی عوام‌گرا و سیاست جنایی امنیت‌گرا که هر کدام از آن‌ها اکنون بر فضای حقوق کیفری سایه انداخته‌اند، با اهداف سرکوبگر خود، نظام عدالت کیفری را به سمت سختگیری و عدم تساهل هدایت کرده‌اند و سیاست جنایی را در مسیر سزاگرایی قرار داده‌اند. در این موقعیت، گفتمان نئوکلاسیک نوین می‌تواند با ارائه راهکارها و ابزارهای دقیق جهت هدفمندسازی سزاگرایی و پاسخ

سختگیرانه کیفری به جرائم، جای خود را در تئوری و در عمل، در میان مباحث جرم‌شناسی، بیش از پیش باز کند و از آن تحت عنوان مکتب نئوکلاسیک نوین یاد شود، هرچند که هنوز هم چالش‌هایی بر سر راه این تئوری قرار گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آنسل، مارک، ۱۳۹۱، **دفاع اجتماعی**، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ سی ام، تهران، انتشارات میزان.

- الستی، ساناز، ۱۳۸۹، **جرم‌شناسان پیشرو**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- الهام، غلامحسین و دانش ناری، حمیدرضا، ۱۳۹۳، تأملی بر نظریه گزینش حسابگرانه، **دوفصلنامه مطالعات**

تحول علوم انسانی، شماره ۲.

- بوریگان، ژاک، ۱۳۸۷، تحولات اخیر سیاست جنایی فرانسه، ترجمه ناصرعلی منصوریان، **فصلنامه پژوهش**

حقوق و سیاست، شماره ۲.

- پاک‌نهاد، امیر، ۱۳۸۸، **سیاست جنایی ریسک‌مدار**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- پرادل، ژان، ۱۴۰۲، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات سمت.

- جعفری، مجتبی، ۱۳۹۲، **جامعه‌شناسی حقوق کیفری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمدجواد، ۱۳۹۰، از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین،

فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲.

- داودی گرمارودی، هما، ۱۳۸۳، بررسی پویایی و پایایی نئوکلاسیسیسم باز اندیشیده، رساله دکتری حقوق

کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

- داودی گرمارودی، هما، ۱۳۸۴، مکتب نئوکلاسیک نوین و احیاء رویکرد سزادهی، فصلنامه دانشکده

حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۱۷.

- روت، میچل، ۱۳۹۴، **تاریخ عدالت کیفری**، ترجمه ساناز الستی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.

- زاهدی مازندرانی، محمدجواد، ۱۳۷۹، ظهور و افول دولت رفاه، فصلنامه **تأمین اجتماعی**، شماره ۶.

- صفاری، علی، ۱۳۹۰، درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن، **علوم جنایی**، مجموعه مقالات تجلیل از

استاد دکتر محمد آشوری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.

- طاهری، سمانه، ۱۳۹۲، **سیاست کیفری سختگیرانه**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- فارال، استقن؛ جکسون، جاناتان؛ گری، امیلی، ۱۳۹۲، **نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران**

معاصر، ترجمه حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- فرجیها، محمد، ۱۳۸۵، بازتاب رسانه‌ای جرم، فصلنامه **رفاه اجتماعی**، شماره ۲۲.

- قناد، فاطمه و اکبری، مسعود، ۱۳۹۶، امنیت‌گرایی سیاست جنایی، فصلنامه **پژوهش حقوق کیفری**،

شماره ۱۸.

- کاشفی اسماعیل زاده، حسن، ۱۳۸۴، جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی علل و

جلوه‌ها، **آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱۵.

- کونانی، سلمان و سلطانی بیدگلی، رضا، ۱۳۹۰، اصلاح و درمان مجرمان در حقوق کیفری ایران، فصلنامه

تعالی حقوق، شماره ۸ و ۹.

- گسن، ریمون، ۱۳۹۷، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، چاپ هفتم، تهران، انتشارات

دادگستر.

- محسنی، فرید، ۱۳۹۱، تحولات کیفری قانون میهن پرستی امریکا، فصلنامه **دیدگاه‌های حقوق قضایی**،

شماره ۶۰.

- مرادی حسن آباد و محمودی جانکی، فیروز، محسن، ۱۳۹۱، بررسی تأثیر افکار عمومی بر ابقای مجازات

اعدام در غرب، **دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۲.

- مگوایر، مایک؛ مورگان، راد؛ رینر، رابرت، ۱۳۹۳، **دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد**، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۳، **نظریه‌های جرم‌شناسی، تقریرات درس جرم‌شناسی**، دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۹، **سیاست کیفری عوام گرا، تقریرات درس جرم‌شناسی**، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، ۱۴۰۳، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسنپس، توماس، ۱۳۹۷، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه علی شجاعی، چاپ یازدهم تهران، انتشارات سمت.
- وایت، راب و هیتز، فیونا، ۱۴۰۳، **جرم و جرم‌شناسی**، ترجمه علی سلیمی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ویلیام، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی، ۱۳۹۱، **نظریه‌های جرم‌شناسی**، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.

لاتین

- Borum, randy, 2004, psychology of terrorism, first edition, felorida, university of south felorida.
- Doherty, Fiona, 2013, Indetrminate sentencing returns: The invention of supervised release, Newyork university law review, volume 85.
- Franko Aas katja , 2007, globalization and crime, first edition, sage publication.
- Knepper, paul, 2012, measuring the threat of global crime, American society of criminology, volume 50, number 3.
- Landesman , bruce, 2010, the responsibilities of the liberal stat, Utawa law review, volume 1, number 1.
- Morrison, Wayne, 1995, Theoretical criminology, First publishing, London, Cavendish publishing.
- Nopkings, bruce, 2009, an introduction to criminological theory, third edition, newyork, willan publication.

- Ram, chris, 2011, the globalization of crime as a jurisdictional globalization of crime, criminal justice conference august, Ottawa, Canada.
- Robert, Julian & stalans, lorreta & hough, mikle, 2003, penal populism and public opinion, newyork, oxford university press.
- Squires, peter, 1997, criminology and the community safety paradigm, report of criminal justice conference, Queens University, Belfast.
- Stepanova, Ekaterina, global terrorism index, capturing the impact of terrorism from 2002.
- Suri parkash & esteva gastova, 1998, post modernism: remaking the soil of cultures, first edition, newyork, zedbook.
- Nobel, randy, 2010, the globalization of crime: a transnational organized crime threat assessment, united nation office on drug and crime Vienna, untied nation publication.
- Tonry, Michel, 2004, why are not german penal policies hardsherand imprisonment rate shigher? german law jornal, volume 5, number 10.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadreza Amiri Larjani

A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari

Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi

Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi

Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri

Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi

Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali

Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi

Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami

The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh

Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New
Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari

A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar

Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi

Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi

Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari

A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars

Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi

Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoob Taheri, Hosein Zarei

International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard

Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuj Alvar, Mohammadali Jahani

Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi

Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa

Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi

The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari

Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami

Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi